

## چرا در میان مسلمانان امروز «اعتماد و همدلی» کمتر دیده میشود..؟

البته دلایل زیادی وجود دارد که مسلمانان روز تا روز از هم دور شده میروند، علت آن بیشتر عدم تحمل پذیری از عقاید همدیگر بوده، که بعضاً باعث بی اتفاقی و جدایی در میان مسلمانان نیز گردیده است.

( بیست سال قبل یک مرد مسلمان با خانمش که استرالیایی بود، سفری به نیوزیلند داشتند و در مورد اعتماد میان دو مسلمان که شناخت قبلی هم نداشتند، اظهار نظر نموده گفت:

در روز آخر سفر ما، از یک دکان عرب (مصری) جنس را خریداری نموده و چک پولی را که برایش دادم قبول نکرده گفت: شاید این چک سفری شما مشکل برایم ایجاد نماید، روز یکشنبه و بانک ها هرجا بسته بود .. آنزمان شرایط بانکی مانند امروز ساده و آسان هم نبود، قرار شد تا یکمقدار پول به گونه پیش پرداخت بدهم تا بعداً بقیه پول، جمع مصارف را به شماره بانکی اش ارسال دارم.

همینکه اسم خود یحیی و تخلص را ننوشته بودم که آن مرد دکاندار فوراً مانع شده و گفت چون اسم ترا خواندم که مسلمان هستی این جنس را با خود ببرید و بعداً پولش را برایم ارسال دارید.

خانم که یک زن عیسوی بود، از طرز پیش آمد و ضمیر پاک آنمرد شریف مسلمان خوشش آمد و ازینکه در عالم ناشناسی صرف بنام مسلمان (همدین) بودن این اعتبار بوجود آمده بود، خرسند به نظر میرسید.

متأسفانه امروز کمتر به چنین اشخاص بر میخوریم که با شنیدن نام مسلمان در عالم ناشناسی اعتماد و از خودگذری بکند، با آنکه نسبت به بیست سال قبل به تعداد مساجد و نماز گزاران افزوده شده، ولیکن با تاسف که در میان مسلمانان تفاهم و همنظری کمتر شده میروند، و در عوض مخالفت و بدبینی بیشتر گردیده است.

بلی! امروز این مصیبت دامنگیر جوامع اسلامی گردیده است، بعضی ها بخود کاملاً حق میدهند تا عقاید دیگران را کنترل کنند و آنچه خود از دین میدانند (عقاید سنتی) بالای مردم بقبولانند، چنانکه فیصله اخیر شورای علمای کشور سبب پریشانی اکثریت مردم جامعه ما گردیده است.

اینکه مرد را اصل و زن را فرع معرفی میدارند، تا بگویند که آنها باهم مساوی نیستند، در حالیکه خود قرآن مساوی بودن زن و مرد را در خلقت تأیید میکند که (زن و مرد را از یک نطفه خلق نموده است).

یهودیان نیز به همین باورند که زن و مرد از یک پارچه خون بسته خلق گردیده اند. در حکم جزا به زن و مرد زنا کار هر کدام بطور مساویانه صد دره تعیین شده است، باآنهم چگونه میتوان مساوی بودن آنها را در خلقت، آدمیت، انسانیت و حقوق مدنی شان نادیده گرفت.

در خلقت (آدم و حوا) طی چند مرحله، سیر تکامل که در قرآن به آن اشاره گردیده است یعنی (از گل گندیده که مخلوط از آب و خاک است، بعد به گل صاف تبدیل، "نطفه" بسته شده و به پارچه خون تبدیل و بعداً با استخوان گوشت تکامل یافته است. اینک آنها از یک نفس واحد بوجود آمده باشند، چه تفاوت دارد با اطفال دوگانه که از یک نطفه بوجود میآیند. هر چند تخصص درین رشته ندارم ولیکن معلومات که دارم اینست که: در دو گانگیها نطفه، آهسته آهسته در نفس خود از وسط به دو قسمت تقسیم شده، اطفال دو گانه بوجود میآیند، اینک کدام یک از دوگانگی ها (پسر یا دختر) از سمت راست یا چپ نطفه تشکیل میگردد، فرض شود که بی بی حوا از قسمت چپ نطفه بوجود آمده باشد و حضرت آدم ع از سمت راست، نزد خداوند تعالی زن و مرد باهم برابر اند، درجه و فرق آنها تنها در تقوی و پرهیزکاری آنها میباشد. نباید همه چیز از دید تعصب و تبعیض تعبیر و تفسیر گردد، که این جفا در طول تاریخ بنام شریعت به شیوه های مختلف در حق مسلمانان و بخصوص زنان روا داشته شده است، که جفای بزرگ در حق دین نیز میباشد جلو بی عدالتی ها و ظلم باید گرفته شود، تا اسلام از مسیر اصلی خود بیرون نشده و خرافات جایش را نگیرد. وقتی به معنی و مفهوم کامل یک آیه میروسیم، تا اولاً آنرا با عقل و منطق خود تحلیل و تجزیه نموده، و مطمئن شویم که شک و گمان در آن وجود ندارد.

ایکاش علمای میدانشیم تا بجای بهانه گیریها علیه زنان، پایمال کردن حقوق و عقب نگه داشتن آنها از اجتماع، در راه ترقی و سعادت زندگی زنان سعی و تلاش مینمودند، تا امروز زنان مسلمان، همانند زنان دیگر کشور های جهان به درجات بلند علمی، اقتصادی و سیاسی میرسیدند. خداوند تعالی میفرماید: من در حق هیچ یک از بندگان خود برابر

خسته خرما ظلم نمیکنم، پس خواست خداوند اینست که عدالت و برابری در میان بنده گان (مرد و زن) یکسان برقرار باشد. برای روشن شدن این مطلب به چند آیه از قرآن مراجعه میکنیم، تا بدانیم که این دستان ظالمین است که زیر نام اسلام خشونت و ظلمت را علیه زنان روا میدارند.

در قرآن آمده است که خداوند تعالی به زنان دستور داده است، پاهای خود را طوری بر زمین نگذارند تا صدای آن سبب توجه مردان ضعیف النفس واقع نگردد.

اگر مطلب از بوت کبری بلند باشد، اولاً در آنزمان زمین و سرک ها، سمنت و قیر ریزی نبود و بوت کبری بلند هم رواج نداشت، اگر داشت بروی زمین های پر از خاک و ریگسائی عربستان صدا پیدا نمیکرد. ثانیاً صدای بوت نتنها که تحریک آمیز نیست، بلکه سبب اذیت و آزار بالای اصحاب نیز میگردد، شاید برای اشخاص بی ایمان همان صدای آزار دهنده فتنه انگیز و تحریک آمیز باشد. پس این آیه بخاطر مطلب دیگری بوده است که شاید برای بسیاری از مفسرین روشن نباشد و آنرا به (بوت کبری بلند) معنی و تفسیر نموده اند.

آمده است که زنان در آنزمان با زر و زیورات زیاد خود را می آراستند و به پاهای خود (پای زیب) بسته مینمودند که در وقت راه رفتن صدا آن شنیده میشد، خداوند تعالی زنان را از پوشیدن آن طبق رواج که داشت منع فرمود، بلکه به آنها دستور داد، تا در موقع راه رفتن نرم راه بروند، تا صدای پای زیب شان سبب فتنه مردان ضعیف النفس نگردد.

همچنان به آیه دیگری که خداوند تعالی به زنان مسلمان سفارش میکند اینست که (خمار) را بدور خود قرار دهید که عبارت از چادر های بود که زنان عرب طبق رسوم بر سر داشتند چون زیورات بر گردن شان استعمال میکردند، خداوند تعالی مانع پوشیدن (زیورات) آنها نگردیده، بلکه دستور داده شد، که با گوشه چادر دور گردن شانرا ببوشانند، تا طرف توجه مردان مغرض و بیمار واقع نگردد. باز هم دیده میشود که خداوند از روی لطف در حق زن این دستور را داده است تا آنها را حمایت کرده باشد از مردان مغرض ضعیف النفس. اگر در یک جامعه اسلامی، اسلام واقعی بر پایهای (پاک نفسی و ایمانداری) استوار، و آیات قرآن به معنی درست آن به مردم رسانیده شده باشد، در آن جامعه خطری از لحاظ اخلاقی دیده نمیشود، چون شیطان به خداوند عهد نمود که با بنده های مؤمن غرض ندارد، مگر بنده های ضعیف النفس..

علما و دانشمندان نقش بزرگ را در امر اصلاح جامعه و مردم دارند، بعضی از آنها که بایست قلب و ذهن های تاریک مردم جامعه را روشن سازند، به جدا سازی جنسیتی که متاسفانه از ذهن تاریک خود آنها انعکاس پیدا میکند، میخوانند در مورد زنان مظلوم کشور ما دشواریها را سر راه آنها قرار دهند. در یکی از ماده ها فرمان شورا علما آمده است، تا به مردان اجازه چهار زن داده شود. گرچه در گذشته راجع به تعدد زوجات نوشته ام، باز ضرورت میدانم تا برای روشنی بیشتر روی این آیه تحلیل و تفسیر بیشتر صورت گیرد.

اولاً خداوند که من شناخت به ذاتش دارم، ظالم نبوده و همه بندگان را دوست میدارد. یعنی در حق زن که در زندگانی مشترک راضی بوجود زن دیگر نمیشد، این عذاب درد ناک (رنج روانی) که هر لحظه قلب زن را بیازارد، چنین حکم از جانب خداوند که یگانه مرجع داد خواهی مظلومان میباشد چگونه ممکن خواهد بود..؟

البته زندگی و ازدواج پیغمبر اسلام حضرت محمد ص با زنانش که از روی هوس نبوده ازین بحث کاملاً جدا میباشد. ثانیاً خداوند تعالی چگونه بین امت اسلام و امت های دیگر فرق قایل شده که به مردان مسلمان این حق دو، سه چهار را آنهم به (پولدار و ثروتمند) میدهد، و غریب که توان آنرا ندارد (عدالت و انصاف) را در کجای این حکم میتوان دید.. در صورتیکه در کتب آسمانی ادیان پیشین چنین امری دیده نمیشود، و زن در برابر آن خود را خوار و حقیر مبینند.. ازین انکار کرده نمیتوانیم که تعدد زوجات در میان اقوام و مذاهب مختلف در جهان وجود داشته و بر اساس عنعنات خرافاتی و ظالمانه مردم در ادوار مختلف تاریخ صورت گرفته است و نه به امر و دستور خداوند رحیم و مهربان که بر همه مخلوقات خود عدالت را پایه ایمان قرار داده است. به آیه در مورد چهار زن دقت گردد، خداوند تعالی به یک گروه اقلیت از مردان که زنان زیاد داشتند و در حق دختران یتیم ظلم میکردند، تا از دارایی آنها استفاده نموده و به زور بدون رضایت به عقد خود در آورند، به این طبقه مردان شروط قرار داد، تا از حد تجاوز نکنند، یعنی به دختران یتیم ظلم نکنند، از زنان که خود دیده اند (دو، سه و چهار) بگیرند و نه بیشتر از آن.

در آنزمان که جنگ ها بین اقوام زیاد بود، مردان زیاد کشته میشدند مردان پولدار که سرپرستی این طبقه مظلوم را بدوش میگرفتند و بعد برای تصاحب اموال و خود شان دختران یتیم (خوش صورت) را در عقد خود قرار میدادند، و زشت صورت ها را به حیث کنیزان خود نکه میداشتند. خداوند تعالی اشاره به ازدواج با زنان بیوه ( مادران دختران یتیم) نموده، تا از جمع آنها (دو سه ..) نظر به توان مادی در قید نکاح خود در آورند که اطفال یتیم شان را نیز تحت سرپرستی قرار بدهند و شرط این بود که اگر عدالت را در میان شان رعایت کرده نمیتوانید، بیشتر از یک زن نگیرید، خداوند مهربان تا چه حد، بندگان خود را دوست دارد و به آنها عزت قایل شده است تا فرق در میان زنان نگذارند.

در شرایط فعلی جامعه ما همانگونه، اگر این حکم مورد اجرا قرار میگیرد، هیچ زن بیوه (یتیم دار) خود را مجبور نمیدید تا اطفال خود را به کار های شاقه مجبور سازد و خود با بدن خسته در خانه های هرکس و ناکس به نوکری و رخت شویی رو بیاورد.

اگر مانند علمای یهود که آیات تورات را به نفع خود تغییر میدادند، و تعدد زوجات به میل یکعده اشخاص که جوانب ضرر های اجتماعی آنها که در آن نفاق و بی عدالتی نمایان است، در نظر نگیرند، البته در روز آخرت جوابگو در برابر خداوند خواهند بود. چون به نفع یک طبقه از مردان پولدار (عیاش پیشه) بوده، دروازه (تعدد زوجات) همیشه بروی آنها باز خواهد بود، تا آنطور که خود مایل باشند دختران باکره یا غیر آنها به هر سن و سال که باشند دو، سه و چهار، بگیرند. امروز مردان مسلمان در غرب از ترس خداوند نه، بلکه از ترس کشورهاییکه در آن قانون یک زن مورد اعتبار میباشد، زن های دو و سه را بنام خواهران و خورد سن های شانرا بنام خواهرزاده ها با خود در غرب میبرند. این شرم بزرگ از دامان اسلام چه وقت پاک خواهد شد. چه خوب گفته اند: ندارد اسلام به ذات خود هیچ عیبی. هر عیبی و نقص که هست در مسلمانی خود ماست. مردان غریب از نظر دور قرار گرفته و مردان غریب که توانایی حتی یک زن گرفتن را هم ندارند و یا با داشتن یک زن و چند طفل که به درستی شکم شانرا سیر کرده نمیتوانند، آرزو میداشته باشند تا زن دیگر بگیرند، به جزء اینکه پول از راه های نامشروع بدست آورند. آیا مردان مجرد با خداوند در خفا دعوی نمیکند که: به ما غریبان حکم صادر میکنی که عفت خود را حفظ کنیم و به فحشا رو نیاوریم. تا خداوند از در غیب شما را غنی ساخته و آنوقت زن بگیرد.

در آیه دیگری خداوند تعالی به مسلمانان که قدرت اقتصادی دارند سفارش میکند، به کسانی که توان مادی ندارند ازدواج کنند، تا آنها را درین راه کمک رسانند.

تعبیر و تفسیر نادرست از تعدد زوجات، که نتنها ظلم و جفا در حق زن شمرده میشود، سبب شده، تا مردان پولدار بجای کمک به مردان مستحق در راه ازدواج شان، برای خود زنان بیشتر بگیرند.

آمده است که: در رژیم سابق لیبیا قانون ازدواج با یک زن بود، بمجرد تغییر رژیم شعار حکم ظالمانه (ازدواج چند زن) از گلوئی مسلمانان افراتی بلند گردید. امروز در جهان اسلام هزاران بدبختی و جنایات بخاطر فقر، بیکاری و همین ظلم و بی تفاوتی ها بوده که نارامی ها بوجود آمده، روز تا روز از هر لحاظ کشور های اسلامی بیچاره تر شده میروند. خداوند تعالی اغنیا را بر فقرا مورد امتحان قرار میدهد، که این خود یک امتحان بزرگ میباشد برای کسانی که از روز آخرت خوف و ترس در دل دارند.

زنان مسلمان به این حکم (تعدد زوجات) راضی نبوده و آنها عدالت نه، بلکه خشونت و ظلم در برابر خود میدانند. پروردگار عالم از آه و درد این زنان و شکایت آنها آگاه میباشد، چنانکه در سوره مجادله آمده است: خداوند به رسولش میفرماید: حقیقتاً خداوند تعالی شکایت آن زن را که به خداوند میگرد شنید، گفتگوی شما را خداوند میشنود. در حقیقت خداوند تعالی کلام و شکایت تضرع کنندگان را شنیده، احوال آنها را دیده و خیردار است.

وقتی که خداوند در حق زن تا این اندازه مهربان است که شکایتش را میشنود، چگونه زن را که رضایت نداشته باشد، تا شوهرش زن دیگر بگیرد، و به مرد حق چهار زن گرفتن میدهد.

تعداد از رضاکاران بشمول خود علما اسلام اقلأ با چند تن از زنان که درین موقف یعنی عقد مردان (چند زنه) قرار دارند، گزارش تهیه بدارند، تا دیده شود که به چه تعداد ازین زنان خوشی و رضایت از خود نشان میدهند، و یا شکایت دارند. باید شورای علما حکم صادر میگرد که هیچ مرد حق گرفتن زن دوم بدون رضایت زن اول و عذر معقول ندارد. به مردان پولدار خدا شناس که خوف روز قیامت را در دل داشته باشند تفهیم میگردید، تا یکمقدار پول به جوانان که توان ازدواج ندارند کمک کنند یعنی به این آیه قران تاکید و توجه بیشتر میشد، نه به تعدد زوجات. این یک امتحان بزرگ خواهد بود تا کشور های اسلامی را از مصیبت که درین اواخر دامنگیرشان شده نجات دهد. خداوند تعالی در قران به علمای که کلام خداوند را به کجی رسانیده، یعنی به درستی به مردم نمیرسانند، وعده عذاب داده است. پس علما کوشش کنند دچار گناه بزرگ نشده، تا دشمنان اسلام به مسلمانی ما ایراد گیرند.

خداوند میفرماید: اگر به حکمی برمیخورید که در حل و اجرای آن ناتوان هستید، به "اهل ذکر" مراجعه نمائید که متاسفانه در میان علما اختلاف نظر به معنی این آیه دیده میشود، که سبب راه گمی مسلمان روی مسایل فقی نیز گردیده است. مثلاً بعضی ها "اهل ذکر" را علمای کرام میدانند، که همه آیات قران در زمان حیات پیغمبرص نازل گردیده، یعنی سوالات مردم را جواب میگفتند و تعداد دیگر "اهل ذکر" را اهل کتاب میدانند، تا مسلمانان اگر مشکل فقی برایشان پیدا میشود به اهل کتاب مراجعه نمایند. متاسفانه مسلمانان نظر به تعصب که دارند به اهل کتاب مراجعه نمی نمایند. در حالیکه این ضرورت همیشه محسوس بوده، چنانکه در زمان رسول خدا برای رفع احتیاجات مسلمانان در سفر، آیه نازل گردید که (همه حیوانات بحری برای شما حلال میباشد) باآنهم مردم از خوردن بعضی از آنها ابا میورزیدند و از پیغمبر میپرسیدند که در بحر حیوانات بسیار کوچک و بسیار بزرگ وجود دارد کدام آنها را خورده میتوانیم و کدامش را نمیتوانیم.

چنانکه امروز روی بعضی از مواد خوردنی ها و آشامیدنی ها (حلال و حرام) که بسیاری مردم را به مشکل روانی نیز دچار ساخته است قرار داشتند. در آنوقت آیه نازل شد چون یهودی ها بیشتر در دریا نوردی و ماهیگیری بلد بودند و به انواع ماهی ها آشنایی داشتند. همچنان آمده است که در زمان خلفای عباسی هرگاه به مشکل فقی روبرو میشدند از علمای یهودی که در یمن بودند، دعوت میشد تا به آنجا آمده و به سوالات پاسخ دهند. ناگفته نماند یهودیها نظر به مقررات سخت که در بعضی موارد بخصوص در برابر زن داشتند، چون فقی آنها با اسلام نزدیک میباشد، بسیاری از آن قوانین

یهودیت در اسلام نیز داخل شده است که بعضی مشکلات از این ناحیه مانند (سنگسار) و بسی از مظالم دیگر تا به امروز در فرهنگ اسلامی ما باقی مانده است. امید علمای واقعی، اسلام در مورد توجه مبذول داشته، تا نزد خداوند تعالی مسؤل قرار نگیرند.

پایان